

## مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴

### تحولات رویکرد برنامه درسی دینی دوره متوسطه ایران\*

دکتر پروین صمدی

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه الزهرا تهران

#### چکیده

برنامه درسی دینی به صورت مدون در سال (۱۱۵۶ ه.ش) از مکتب‌خانه‌ها شروع شد. مدارس نظامیه در حکم متوسطه و دانشگاهی از قرن ۵ هجری قمری آغاز شد که دارای نظام غیر رسمی بود. بررسی تحولات صد سال گذشته برنامه‌های درسی ابتدایی و متوسطه ایران نشان می‌دهد که همواره تعلیم واجبات دینی به قدر لزوم، مدنظر بوده است. هدف‌های آموزش دینی در طول عمر آموزش‌های نوین گسترده‌تر شده اند و صراحت بیشتری یافته‌اند بطوری که رویکرد فرادیدگاه سنت‌گرایی و فرادیدگاه دگرگونی و تحول بر برنامه‌های درسی دینی حاکم بوده است. تلقی نسبت به یادگیرنده از یک عنصر فعال به یک عنصر منفعل‌تر تغییر نموده است؛ به عبارت دیگر، تکیه چندانی بر نیازها و علایق دانش‌آموزان نمی‌شود. فرایند آموزش و یادگیری از دیدگاه موضوعی به سوی دیدگاه اجتماعی (انتقال فرهنگی) در تغییر و تحول بوده است. در مجموع آموزش برنامه‌های آموزش دینی دوره متوسطه به یک تلفیق و ترکیبی از دیدگاه‌های گوناگون در برنامه درسی رسیده است که چه بسا با هم متعارض و در تضاد می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد برنامه‌ریزی درسی رویکرد برنامه درسی دینی، سیر تحول برنامه درسی دینی، تربیت دینی، دوره متوسطه.

**۱- مقدمه**

برنامه درسی دینی به صورت مدون در سال (۱۱۵۶ ه.ش) از مکتب خانه ها شروع شد. از سال (۱۱۵۶ ه.ش) چهار دسته موضوع برای مسایل دینی مطرح شده است: ۱- اخلاقیات ۲- شرعیات (مسائل فقهی) از سال (۱۲۳۸) ۳- تاریخ تمدن اسلامی (۱۲۹۵) ۴- مباحث اقتصادی و ایدئولوژی اسلامی از سال (۱۳۲۵ ه.ش) وارد تعلیمات دینی شده است. در باب شرعیات احکام و مسائل مختلف فقهی از نماز و طهارت تا باب بیع و غیره، مورد مطالعه قرار می گرفته است. اولین کتاب اخلاقی به عنوان تعلیمات دینی کتاب اخلاق نوشته بدر الملوک تکین است که در سال (۱۳۰۶) با اجازه وزارت معارف به طبع رسیده و بیشتر، بحث اخلاقی در بین زنان را بررسی کرده است. اولین کتاب فقهی در حوزه تعلیمات دینی کتاب دو جلدی دوره فقه متوسطه نوشته عبدالله ثقة الاسلامی است که در سال (۱۳۰۶) برای سال دوم و سوم متوسطه تصویب شده است؛ بر این اساس، در آموزش و پرورش ایران، دروس مختلف با مسائل دینی آمیخته بوده است؛ چه به صورت غیر رسمی یعنی نظام مکتب خانه ای و چه به صورت رسمی که تعلیمات شش ساله ابتدایی و سه سال متوسطه در سال ۱۲۸۸ ه.ش که به تصویب وزارت معارف رسیده است [اکرمی، ۱۳۸۲].

**۱-۱- بیان مسئله**

بررسی تحولات صد سال گذشته برنامه‌های درسی آموزش ابتدایی و متوسطه ایران، نشان می‌دهد همواره محتوای این ماده قانون اساسی معارف که «پروگرام مکاتب و مدارس ابتدائیه و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد» مورد نظر بوده است [۷]. اکنون این پرسش مطرح است که طی این مدت برنامه درسی آموزش دینی چه فراز و نشیب‌هایی از نظر رویکرد و دیدگاه‌های موجود در برنامه درسی داشته است. در پاسخ به این سؤال کلی، می‌توان از پاسخگویی به پرسش‌های زیر شروع نمود:

در رویکرد برنامه درسی ایران چه هدفهایی مورد نظر بوده است؟

در رویکرد برنامه درسی دینی ایران چه تلقی نسبت به فرایند یادگیری و یادگیرنده

وجود دارد؟

در رویکرد برنامه درسی دینی ایران چه تلقی نسبت به فرایند آموزش و محیط یادگیری

وجود دارد؟

در رویکرد برنامه درسی دینی ایران چه تلقی نسبت به معلم و ارزشیابی آموخته ها

وجود دارد؟

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

مدارس نظامیه در حکم متوسطه و دانشگاهی از قرن ۵ هجری قمری آغاز شده که دارای نظام غیر رسمی بود. دروس دینی در تشکیلات آموزشی آنها نقش اساسی داشت، به حدی که دانش آموزان باید از نظر رفتار مذهبی مانند روسای این مدارس می بودند. در این دوره، مسائل مذهبی از چند بعد تدریس می شد. یک بعد آن در قالب اخلاق مطرح می شده است [اکرمی، ۱۳۸۳]. مثل کتاب اخلاق ناصری یا اخلاق مصور میرزا احمد خان صنیع السلطنه (۱۲۸۷ ق). یک بعد دیگر معارف اسلامی در قالب شریعت و فقه بوده است و به صورت های تاریخی، ادبی و فلسفی هم بوده است [امینی صالح آبادی، ۱۳۸۳]

بعد از آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپا که از طریق ورود هیئت های مذهبی، سفرهای پادشاهان ایرانی و اعزام دانشجویان به مغرب زمین حاصل شد، اولین دبیرستان به سبک اروپایی و از بودجه عمومی در تهران در سال (۱۲۶۸ ق) تاسیس شد. شیوه دارالفنون، ترکیبی از دروس نظری و عملی در سطح متوسطه بود [تاریخچه معارف ایران، ۱۳۱۳]. در زمان مشروطه و براساس قانون اداری، وزارت معارف در سال (۱۲۸۹) تصویب شد و مراحل تعلیم و تربیت به شرح زیر بیان شد:

۱- مکاتب ابتدایی روستایی ۲- مکاتب ابتدایی شهری ۳- مدارس متوسطه ۴- مدارس

عالی [ضمیری، ۱۳۳۷].

در این قانون، تاکید شده که مکتب و مدرسه جایگاه تربیت اخلاقی، علمی و بدنی است. تاسیس وزارت علوم پس از انقلاب مشروطه و در زمان محمد علی شاه قاجار، قانون

اساسی معارف را به تصویب رساند و بدین ترتیب آموزش و پرورش به صورت رسمی درآمد. بعد از تاسیس دارالفنون، مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) در سال (۱۲۶۹) و به عنوان یک مدرسه دینی به سبک مدارس متوسطه جدید تاسیس شد که علوم معقول و منقوله در آن تدریس می گردید [صمدی، ۱۳۸۰]. در سال (۱۳۱۵) انجمن معارف تاسیس شد که منشأ شورای عالی آموزش و پرورش امروزی بوده است. یکی از وظایفی که وزیر معارف به عهده داشت، تهیه اسباب تحصیلات ابتدایی رایگان اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالی بود.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

هدف کلی پژوهش، بررسی تحولات رویکرد برنامه ریزی درسی دینی دوره متوسطه ایران است. منظور از رویکرد برنامه ریزی درسی، موضع گیری های اساسی درباره یاد دهی - یادگیری و ابعاد گوناگون نظری و عملی آن است. بر این اساس، برنامه ریزان درسی و معلمان دارای دیدگاه هایی هستند که نحوه تدریس و آموزش آنها را متأثر می سازد. شناخت رویکردهای برنامه ریزی درسی دینی، به دست اندرکاران برنامه ریزی و معلمان، در شفافیت بخشیدن به رویکرد مورد استفاده آنها در یاددهی یادگیری کمک می نماید. رویکردها، مبنای مفهومی مورد نیاز برای تدوین و تولید برنامه ها را فراهم می سازند. سپس معلمان خواهند توانست یک برنامه درسی یا مجموعه ای از تجربه های یادگیری را تدوین نمایند که نیل به هدف های تصریح شده را ممکن می سازد. پس از آنکه برنامه یا مجموعه ای از تجربه های یادگیری دینی تدوین شدند، در کلاس اجرا می شوند. شیوه های اجرایی نیز باید به دقت طرح ریزی شوند تا برنامه درسی دینی به یک رویدادی پوچ که هرگز با دانش آموزان ارتباط برقرار نمی کند، تبدیل نشود. در نهایت برنامه درسی باید ارزشیابی شود تا میزان پاسخگویی آن به انتظارات و توقعات روشن گردد؛ بنابراین تحولات رویکرد برنامه درسی دینی با برنامه درسی و فرایند برنامه ریزی درسی در شکلهای متعدد و ابعاد مختلف تعامل برقرار می نماید که درک و فهم این تحولات از

اهمیت خاصی برخوردار است و همچنین مهمتر از آن، این ضرورت است که موضع برنامه ریزان درس دینی در این تحولات صد سال گذشته مشخص می شود.

## ۲- بحث

برنامه درسی را طرحی جهت آماده کردن مجموعه ای از فرصت های یادگیری برای یادگیرندگان می دانند. برنامه ریزی درسی یک موضع گیری اساسی درباره یاددهی- یادگیری و ابعاد گوناگون نظری و عملی است که دارای دیدگاه های مختلف است؛ همچنان که میلر دیدگاه های این ابعاد را مد نظر قرار داده است تحت عنوان آرمان های، فرایند یادگیری، فرایند آموزشی، محیط یادگیری، نقش معلم. نوع و چگونگی ارزشیابی کردن [اداره کل نگارش، ۱۳۱۷].

در این پژوهش، برنامه های درسی دینی طی دوره پدید آیی و تحول آموزش های نظام مند و رسمی ایران که از سال ۱۲۸۸ آغاز شده و ادامه دارد، مورد بررسی قرار می گیرد. منظور از برنامه های درسی آموزش دینی، برنامه هایی است که تحت عنوان شریعات، قرآن (منتخب آیات)، اخلاق و تعلیمات دینی طراحی شده و در دوره های مختلف متوسطه تدریس شده است و دوره مورد بررسی دارای ۴ مرحله است:

۱- دوره قبل از تاسیس دبیرستان دارالفنون ۲- دوره پیش از انقلاب اسلامی ۳- تحول کتب دینی در زمان انقلاب تا سال ۱۳۸۰ = تدوین کتب جدید دینی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ .

داده های مورد نیاز این پژوهش، با رعایت اصول و معیارهای تحقیق تاریخی از اسنادی به دست آمده است که به شکل رسمی از سوی مقامات مسئول منتشر شده اند. گرچه ممکن است واقعیت های جریان عمل آموزش و پرورش با آنچه در این اسناد ارایه شده است، تفاوت هایی داشته باشد؛ اما این اسناد و مدارک کتبی منتشر شده از سوی نهادهای رسمی آموزش و پرورش، منابع دست اول و معتبر قلمداد می شوند. در عین حال، در مواردی که به نتایج پژوهش های انجام شده، درباره موضوع استناد شده، اعتبار آن ها با

شیوه نقد درونی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دیگر داده ها از طریق مصاحبه با متخصصان برنامه درسی و آموزش دینی و معلمان و دبیران دینی به شیوه میدانی به دست آمده است؛ بخصوص برای سال های بین ۱۳۸۴-۱۳۷۹ که در قالب جداول فراوانی و در حدود نمودار در این پژوهش ارائه شده است.

یافته های پژوهش براساس آن دسته از تلقی ها نسبت به برنامه درسی که مورد بررسی قرار گرفته اند، ارائه می شوند؛ بنابراین، در این قسمت، توصیف و تحلیل داده ها تحت هفت عنوان فرعی، تنظیم و ارائه می گردد:

۱- آرمان های تربیتی در برنامه های درسی آموزش دینی: از زمانی که دستور سه ساله مدارس متوسطه به عنوان سیکل اول، در وزارت معارف در سال ۱۳۲۷ تصویب و در سال ۱۳۲۲ تجدید نظر شد دستور العمل های جدیدی برای مدارس شش ساله متوسطه تدوین گردید که همواره هدف های دینی به اشکال متفاوت مطرح بوده است. در این سال ها، هدف دروس مربوطه به دینی «درک ارزش های دینی و معنوی بوده است» [الماسی، ۱۳۷۴]. به عنوان مثال، در برنامه سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ «پرورش نوجوانان به نحوی که دارای اخلاق پسندیده و عادت های نیک باشد، هدف قلمداد شده است [مرکز تحقیقات و برنامه درسی، ۱۳۵۰].

در زمانی که مدارس متوسطه هنوز شکل رسمی و امروزی به خود نگرفته بوده، اهداف مدارس دینی و مردمی نیز ترویج دین و تعلیم معارف اسلامی بوده است و همان طور که گفته شد محتوای همه دروس دیگر نیز دینی بوده است [موسی پور، ۱۳۷۴]. مثلاً در عصر صفوی که به نوعی شیعه گرایی رواج پیدا کرد، سیاست و دیانت را یکی و مانند هم می دانستند و هدف، مسلمان بار آوردن نوجوانان و جوانان براساس علوم دینی بود [اداره کا نگارش، ۱۳۱۷]. در برنامه سال ۱۳۴۲ «توسعه و رشد ایمان و نیروهای معنوی هدف قرار گرفت و هدف آنها از مطالعه دروس دینی عبارت است از [اداره کل نگارش، ۱۳۲۲]: شناخت خدا و راه او ۲- شکرگزاری در برابر نعمت های خدایی ۳- فرمانبردار و مطیع

او بودن.

در سال (۱۳۵۰) هدف از تدریس دینی «درک ارزشها» بوده؛ اما صرفاً به یک سری اطلاعات و معلومات احکام شرعی و اخلاق محدود بود. بعد از انقلاب اسلامی و در برنامه های بازبینی شده ارسال (۱۳۶۷) به بعد، هدف های دینی و اخلاقی گسترده تر شده است که عبارت است از:

- تقویت مبانی اعتقادی دانش آموزان نسبت به اصول دین بر مبنای فطرت انسانی و مشاهده، تفکر و تعقل در مسائل دینی.
- یادگیری قرآن به صورت صحیح خواندن، فهم معانی اجمالی سوره ها و آیات ساده خصوصاً آیاتی که به سادگی با مبانی اعتقادی و اخلاقی ارتباط دارند.
- آموزش واجبات، ترک محرمات و عبادت، یادگیری نماز و ایجاد حسن اخلاق.
- تقویت فضایل اخلاقی در خلال برنامه های آموزشی- تربیتی هدفدار و قابل ارزشیابی [ندیمی و همکاران، ۱۳۷۷].

اهداف کلی آموزش دینی از سال ۷۳ تا سال ۸۰ عبارتند از:

- ۱- سازندگی فکری، آموزش دین، پرورش انسان ها، توجه به مفاهیم دینی به صورت عمیق.
- ۲- سازندگی روحی و اخلاقی پرورش حالات روحی و فضایل و ملکه کردن تقوا در نوجوانان
- ۳- ایجاد بینش اجتماعی به جای بینش فردی و تعلیم و تربیت اسلامی [اکرمی، ۱۳۸۳].

در طراحی اهداف تربیت دینی، اولین منبع مراجعه و استفاده برنامه ریزی درس دینی، قرآن کریم و پس از آن، سخنان ائمه و بزرگان دین است [وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۴۵]. از جمله اهداف دیگر درس بینش اسلامی شناساندن خدا، ایجاد حس پرستش، ایمان به غیب، ایمان به جهان آخرت و پذیرش فرهنگ اسلامی است [ندیمی و همکاران،

[۱۳۷۷].

از سال (۱۳۸۰) به بعد، هدف کتاب «دین و زندگی» آشنا کردن دانش‌آموزان با سنت دینی است که پایه‌های آن در دبستان و راهنمایی می‌باشد و در دبیرستان کامل‌تر می‌شود. قرآن در کنار درس عربی گذاشته شد تا دانش‌آموزان به راحتی متون عربی یا قرآن را بخوانند. احکام و شرعیات ضروری هم در طی سه ساله دبیرستان بیان می‌شود [یزدانی، ۱۳۸۰]. اهداف کلی درس دینی در متوسطه از سال ۱۳۸۰ به بعد عبارت است از برنامه ریزی برای مبانی و اصول دین، آشنایی با قرآن کریم و تفکر در آن، آداب و سنت و سیره پیامبر، توجه به جایگاه انسان در اسلام و آشنایی با ویژگی‌های جامعه اسلامی است [وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۴۵].

۲- محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی: محتوا به عنوان مجموعه‌ای از تجارب یادگیری است که تحقق هدف‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. به تبع هدف برنامه درسی فراهم می‌شود و به دلیل وجود هدف‌های دینی و اخلاقی در برنامه‌های درسی، محتوای دینی و اخلاقی برای این دوره تدارک دیده شده است [اعتصامی، ۱۳۸۵].

از سال (۱۱۵۶) محتوای درس دینی مدارس دینی که بعد از مکتب‌خانه‌ها طلاب به آنجا وارد می‌شدند، جهت آموزش تکمیلی علوم دینی، ترتیب داده شده بود. تمام دروس مدارس دینی، رنگ و بوی دینی داشت و محتوای هر درسی مثل حدیث، فقه، تفسیر، منطق و... براساس سلیقه استاد انتخاب می‌شد؛ حتی طلبه در نظامیه‌ها و مدارس قدیم، باید هم مذهب بانی مدرسه می‌بود. دانش‌آموزانی که ادامه تحصیل می‌دادند در نهایت اجازه نامه برای تدریس و روایت می‌گرفتند [وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳].

با تاسیس مدارس به سبک غربی، مثل مدرسه دارالفنون، برنامه‌های درسی کلاسه بندی شد. در طرح برنامه درسی سالهای اولیه مدرسه دارالفنون، درسی به نام دینی وجود نداشت و بیشتر، حالت تاریخی و اخلاق مطرح بود. با تاسیس مدرسه سپهسالار که یک مدرسه دینی ولی به سبک جدید بود، احکام، شرعیات و اخلاق در محتوای درسی آنها



اهمیت داشت و در درجهٔ بعد، درک مفاهیم قرآنی، ادبیات دینی و وظایف انسانی و اسلامی دیگر نیز تدریس می شد [مرکز تحقیقات و برنامه ریزی درسی، ۱۳۵۰].

بعد از مدرسه سپهسالار، مدرسه علوم سیاسی در سال ۱۳۱۷ توسط وزارت امور خارجه تاسیس شد که در ابتدا بیشتر به مسائل حکومتی و سیاسی می پرداخت. از سال (۱۳۰۶) درس دینی به صورت رسمی و همگانی در مدارس جدید وارد شد. اولین کتاب دینی به نام «کتاب الاخلاق» بدرالملوک تکین بود که در سال اول و دوم متوسطه تدریس می شد [اکرمی، ۱۳۸۳]. علاوه بر کتاب الاخلاق در سال (۱۳۰۶) کتاب «شرعیات فقه» میرزا سید محمد قمی (جلد ۳ و ۴) در کلاس های اول تا نیمه متوسطه (دوم و سوم) تدریس می شد و دوره «اصول عقاید» محمد تقی کمالی و مهدی ریاضی کرمانی (جلد ۱- باب عدل) نیز در اول دبیرستان تدریس می شد [اکرمی، ۱۳۸۳].

از سال (۱۳۰۶) که هم کتب رسمی و دینی مانند آنچه نام برده شد تدریس می شد، کتاب هایی هم وجود داشت که مدارس و معلمین در سطح متوسطه آن را به صورت شخصی و غیر رسمی آموزش می دادند مانند کتب احکام. از سال (۱۳۳۴) مسائل دینی از جمله اخلاق، تاریخ اسلام، اصول و فروع دین و احکام تحت عنوان تعلیمات دینی در آورده و در تمام مدارس متوسطه رسمی و اجباری شد. برای هر سال تحصیلی در دبیرستان موضوعاتی در نظر گرفته می شد و به صورت پایه ای، مسائل قرآنی و اصول و فروع گفته می شد. این جریان تا سال ۱۳۵۵ ادامه داشت؛ البته از سال (۱۳۵۰) با تلاش شهید بهشتی و شهید باهنر تغییرات چشمگیری در سیستم آموزش و پرورش قبل از انقلاب اسلامی در تعلیمات دینی ایجاد شد [اکرمی، ۱۳۸۳].

بعد از انقلاب، جامعه رشد فکری و اسلامی کرده بود؛ به همین دلیل باید کتب جدیدی در زمینه مسائل دینی تهیه می شد. محور و سبک کتاب های دینی براساس کتب شهید مطهری با بیان مباحث استدلالی و براهین قرآنی تنظیم شد که یک چارچوب فکری برای دانش آموز فراهم می کرد. مثلاً در سال اول مبحث توحید، در سال دوم نبوت، در سال

سوم امامت و در سال چهارم بحث معاد تدریس می‌شد. این شیوه تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت [امینی مصلح آبادی، ۱۳۸۳].

از سال ۱۳۸۰ به بعد که درس «دین و زندگی» پایه گذاری شد، علاوه بر بیان مسایل اعتقادی و ریشه‌ای، مسایل دینی در سطح رفتاری نیز مد نظر قرار گرفت و تنها در سطح دانش باقی نماند. هدف اصلی آن، آوردن بینش‌ها و عقاید دینی به صورت عملی و در زندگی واقعی بود [۱۳۸۰].

### ۳- تلقی نسبت به یادگیرنده درس دینی

مدارس دینی و نظامیه‌ها، یادگیری و آموزش را انفرادی و شخصی طی می‌کردند و هر که با هوش‌تر بود، بیشتر و بهتر پیشرفت می‌کرد؛ پس، از این نگاه، دانش آموز فعال‌تر بوده و به دروس سطح بالا دست می‌یافته است و علت دیگر، نظام و سیستم درسی آن زمان بوده است [۱۳۸۰].

از سال (۱۳۰۶) تا سال ۱۳۵۵، معلم بیشتر از دانش آموز فعال بوده است. یادگیرنده فقط اطلاعات دینی را کسب می‌کرده است؛ چه در زمانی که آموزش تعلیمات دینی غیر رسمی بوده و چه از زمانی که به صورت پایه‌ای و نظاممند شده است [یزدانی، ۱۳۸۰]. از سال (۱۳۵۷) تا (۱۳۸۰)، تدوین تعلیمات دینی با این هدف بود که دانش آموزان در فهم مطالب به میدان کشیده شوند و فعال باشند؛ البته در تمام بخش‌های کتاب، این مسئله قابل اجرا نبود؛ ولی بخش‌هایی از کتاب را به هدف دانش آموز محوری تدوین شد که به صورت عملی هم در نیامد [اکرمی، ۱۳۸۳].

از سال (۱۳۸۰) تا (۱۳۸۴) که کتاب دین و زندگی تدوین شده است، بیشتر بر فعالیت دانش آموز در زمینه مطالب اعتقادی و دینی تأکید دارد و دانش آموز محور است. دانش آموز باید به سمت اندیشیدن در مضامین دینی پیش برود. مطالب تدوین شده در کتاب دین و زندگی، بر اساس نیازهای نوجوانان امروز و بر پایه توانمندی‌های ذهنی ایشان است؛ ولی تحقیق این سیستم محدود است؛ زیرا معلمان مدارس با این شیوه‌ها آشنا نیستند]

اکرمی، ۱۳۸۳].

## ۴- تلقی نسبت به فرایند یادگیری و آموزش

قبل از (۱۳۰۶) که نظامیه ها و مدارس دینی فعال بودند و همه دروس، بر پایه درس دینی بود، دیدگاه ماوراء فردی مطرح بود که نوعی رشد ظرفیت درونی و حتی عملی (رفتاری) دینی حساب می شد. سایر یادگیری ها، تحت تاثیر این شرایط قرار داشت و سعی در تغییر جهان بینی دانش آموز، مد نظر بود و [اکرمی، ۱۳۸۳] با ظهور مدارس جدید و تهیه کتاب تعلیمات دینی از سال (۱۳۰۶) به بعد، حتی تا سال (۱۳۸۰) دیدگاه التقاطی و ترکیبی در فرایند یادگیری رواج داشته است. در بعضی از مسائل مثل احکام و شرعیات، دیدگاه رفتاری غالب بوده است. در زمینه اعتقادات و اصول دین از روش موضوعی بهره جسته اند و عمدتاً در همه این سالها انتقال یادگیری مورد توجه بوده است [اکرمی، ۱۳۸۳].

از سال ۸۰ تا ۸۴ در کتاب دین و زندگی، به فرایند آموزش توجه شده است و حالت تکوینی دارد. مفاهیم درس دینی پیچیده تر می شود و سبب بینش یا تفکر عمیق می شود. این شیوه تکوینی، تقریباً شبیه روش قابلیت مدار می باشد. فرایند آموزش، مهارت یادگیری، یاددهی و یادگیری است. از شیوه های مختلف آموزشی، بنا بر ساختار درس تعیین می شود؛ مثلاً در زمینه اعتقادات و اخلاق، شیوه درس با بیان احکام فرق دارد [اکرمی، ۱۳۸۳].

## ۵- تلقی نسبت به محیط یادگیری

از زمان نظامیه ها و مدارس دینی، محیط باز بوده است و هر کس بر اساس تلاش و کوشش خود، پیشرفت می کرده است. از زمان رسمی شدن درس دینی در مدارس محیط بسته و به حافظه طوطی وار دانش آموزان در مدارس جدید بسنده می شده است.

در اوایل انقلاب با تغییر در نظام آموزش دینی و جریانات فکری آن زمان، دوباره آموزش به شیوه باز تغییر کرد و مهم این است کسانی که امور پرورشی و دینی مدارس را به عهده دارند، معلمانی باشند که خودشان عامل رفتارهای دینی باشند چون تفکرات

اعتقادی دوباره در حال شکل‌گیری بوده و محیط بازی برای نوجوانان فراهم آورد] یزدانی، ۱۳۸۰].

از سال (۱۳۸۰) به بعد محیط یادگیری منحصر به محل درس نمی‌شد؛ بلکه تمام مجموعه فضا و امکانات دانش‌آموزان بکار گرفته می‌شد تا مطالب بیان شده در کتاب دین و زندگی، در زندگی واقعی هم عملی شود؛ ولی به خاطر محدودیت‌های موجود این باره در بسیاری از شهرهای ایران از حدود معلم و محیط مدرسه بیرون نمی‌رود [موسی‌پور، ۱۳۷۶].

#### ۶- نقش معلمان در درس دینی

قبل از سال (۱۳۰۶) و در نظام مدرسه‌های دینی و نظامیه‌ها، معلم نقش پررنگی داشته است. تمام دروس را معلم می‌داده و دانش‌آموزان، خود را با او تطابق می‌دادند. از سال (۱۳۰۶) تا سال (۱۳۵۵) معلم، مطالب شرعی، احکام، روخوانی قرآن را تدریس می‌کرد و بیشتر نقش را نیز معلم داشته است و دانش‌آموزان در آن فعالیت زیادی نداشتند [یزدانی، ۱۳۸۰].

بعد از انقلاب و تا سال (۱۳۸۰) هدف این بوده که معلمان، دانش‌آموزان را فعال کرده و آنها را به روش‌های اکتشافی آشنا کنند، اما چون دبیران دینی خود آموزش ندیده بودند، عمدتاً معلم به عنوان گنجینه اطلاعات و نقش محوری در تلاش درآمده است و دبیر دینی، مسئول درس خودش است [اکرمی، ۱۳۸۳].

از سال ۸۰ به بعد در درس دین و زندگی انتظار آن است که خود دبیر به مطالبی که تدریس می‌کند، عامل باشد و قول و فعلش یکی باشد. روش‌های اکتشافی را آموخته باشد. براساس این دیدگاه، بعضی از دروس و تمرین‌های درس دین و زندگی را خود دانش‌آموزان تحقیق کرده و در کلاس ارائه می‌دهند. در این حالت، معلم فقط یک تسهیل‌گر است؛ ولی در بعضی از مطالب درسی دیگر، معلم می‌تواند محور قرار گیرد [خوشنویس، ۱۳۳۱].

## ۷- تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته‌ها

در مدارس دینی و نظامیه‌ها ارزشیابی به شیوه رسمی امروز رایج نبود. در ماده دوازدهم قانون اساسی معارف (مصوب ۱۲۹۰ ه.ش) به این موضوع که «مفتشین دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیر رسمی حق ورود و تفتیش دارند.» اشاره شده که در مجموع موید ارزشیابی مدرسه است. تلاش رسمی برای تطبیق محتوای کتاب‌ها با سرفصل‌های مورد نظر وزارت فرهنگ از سال (۱۳۱۶) آغاز شده است [اکرمی، ۱۳۸۰]؛ به عبارت دیگر، قبل از سال (۱۳۰۶) از روی تلاشی که دانش آموز انجام می‌داده و سئوالاتی که مطرح می‌کرده و یا مهارت و حرفه‌ای را کاملاً به عمل می‌آورد، میزان معلومات دانش آموزان را نشان می‌داده است. از سال (۱۳۰۶) تا (۱۳۵۵) نیز ارزشیابی به صورت امتحانی بوده که در سه‌تلت گرفته می‌شده و امتحان تلت سوم، معرف پذیرش دانش آموز در درس دینی مانند دروس دیگر بوده است؛ گرچه برای امتحانات، گاه هدف‌های آرمانی طرح شده است [اکرمی، ۱۳۸۰ و ریاحی، ۱۳۴۲]؛ اما در عمل، امتحانات، وسیله‌ای برای مدارج تحصیلی و صدور مدارک تحصیلی بوده‌اند. تغییر نحوه برگزاری امتحانات در تصویب نامه‌ها به وضوح دیده می‌شود. ابتدا امتحانات دوبار در سال برگزار می‌شدند [وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۹ و ۱۳۵۲]، سپس به چهار بار در سال گسترش یافتند [ریاحی، ۱۳۴۲ و وزارت صنایع مستظرفه، ۱۳۰۶].

از سال (۱۳۵۷) تا (۱۳۸۰) نیز سیستم ارزشیابی، امتحان محور بوده است و به صورت امتحانات آخر سال شرط قبولی دانش آموز بوده؛ زیرا اگر این سیستم برداشته می‌شد کسی علاقه‌ای به درس خواندن نداشت [اکرمی، ۱۳۸۳].

از سال (۱۳۸۰) تا (۱۳۸۴) امتحانات متمرکز، کم‌رنگ‌تر می‌شوند. بخش‌های رفتاری درس دینی با نمره بوده و به محفوظات و فعالیت‌های طول‌ترم به عنوان ارزشیابی مستمر نیز نمره‌ای اختصاص داده می‌شود که این عمل، باعث می‌شود دانش آموز در طول ترم همیشه فعال باشد [وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بی تا].

۸- قسمی دیگر از یافته ها حاصل بررسی میدانی است؛ به این طریق که ۲۶۰ نفر از میان دبیران دینی شهر تهران، به صورت نمونه گیری تصادفی تعیین شدند و پرسشنامه محقق ساخته براساس دیدگاه برنامه درسی (موضع گیری اساسی در باره یاددهی و یادگیری) بین آنان توزیع و جمع آوری شد. لازم به ذکر است که برای محاسبه و تعیین ضریب پایانی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر با ۹۵٪ محاسبه گردید. ویژگی جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه از نظر میزان تحصیلات و سابقه خدمت به شرح زیر است:

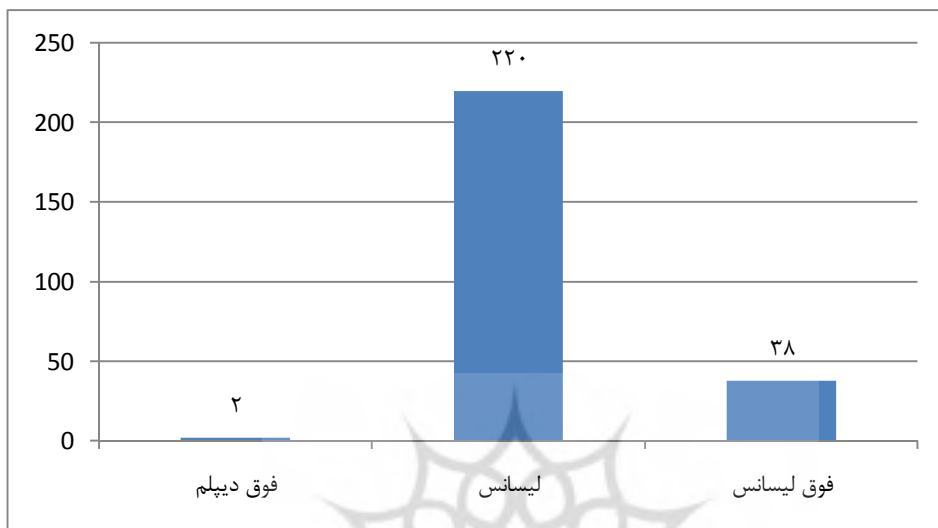
جدول (۱) توزیع فراوانی گروه مورد مطالعه از نظر سطح تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
فوق دیپلم	۲	۰/۸
لیسانس	۲۲۰	۸۴/۶
فوق لیسانس	۳۸	۱۴/۶
کل	۲۶۰	۱۰۰

داده های ارائه شده در جدول (۱) نشان می دهد که اکثریت دبیران مورد مطالعه دارای

مدرک تحصیلی لیسانس هستند.

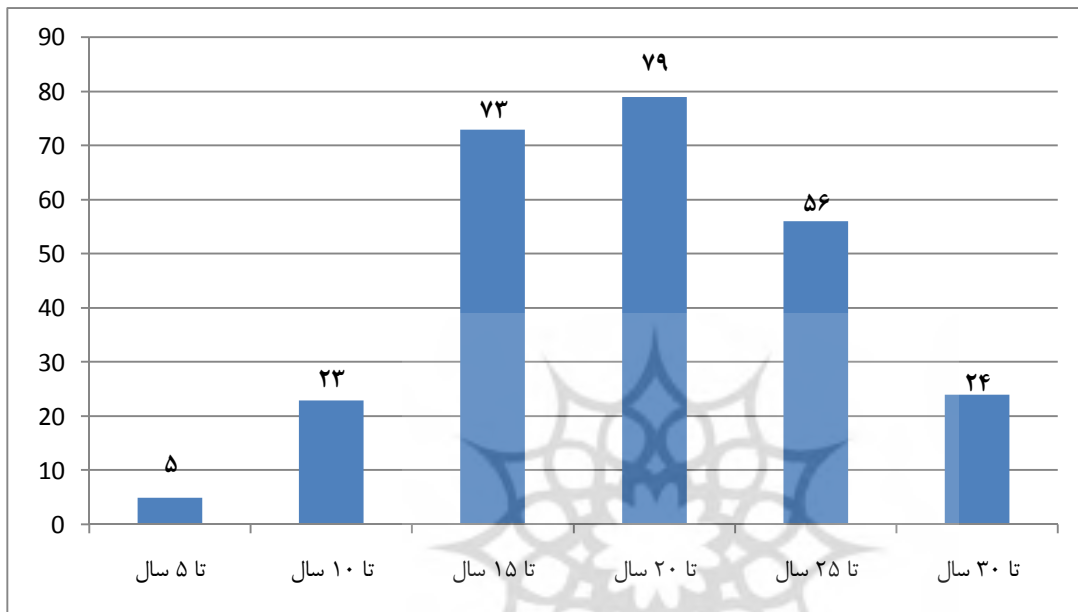
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار (۱): توزیع فراوانی گروه مطالعه از نظر سطح تحصیلات  
 جدول (۲): توزیع فراوانی گروه مورد مطالعه از نظر سابقه خدمت

درصد	فراوانی	سابقه خدمت
۱/۹	۵	تا ۵ سال
۸/۸	۲۳	تا ۱۰ سال
۲۸/۱	۷۳	تا ۱۵ سال
۳۰/۴	۷۹	تا ۲۰ سال
۲۱/۵	۵۶	تا ۲۵ سال
۹/۲	۲۴	تا ۳۰ سال
۱۰۰	۲۶۰	کل

اطلاعات ارائه شده در جدول (۲) نشان می دهد که دامنه سابقه خدمت دبیران مورد مطالعه بین ۱ تا ۳۰ سال بوده و اکثریت آنان (۸۰٪) دارای سابقه خدمت ۱۵ تا ۲۵ سال هستند.



نمودار (۲): توزیع فراوانی گروه مورد مطالعه از نظر سابقه خدمت

جدول (۳): میانگین نظرات دبیران در زمینه دیدگاه برنامه درسی دینی (%)

جمع	ماورا فردی	انسان گرایانه	شد ناختی	رشدگر ۱	اجتماع ی	موضوعی / دیسپلینی	رفتاری	دیدگاه برنامه درسی تلقی ها
۱۰۰	۱۵	۱۶	-	۲۰	۱۹	۱۹	۳۹	آرمانهای تربیتی
۱۰۰	۱/۹	۳/۸	-	۱۵/۳	۱۷/۳	۳۱	۳۱	نسبت به یادگیرنده
۱۰۰	۱/۵	۳/۰۷	-	۸/۸	۱۷/۳	۳۱	۳۸/۴	نسبت به فرایند آموزشی
۱۰۰	۱/۱۵	۲/۶۹	-	۳/۸	۷/۶۱	۱۹/۲	۶۵/۳۸	نسبت به فرایند یادگیری
۱۰۰	۳/۸	۳/۰۷	-	۱۹/۲	۸/۴۶	۲۶/۹	۳۸/۴	نسبت به محیط یادگیری
۱۰۰	۲/۶۹	۳/۸	-	۱۱/۵۳	۱۵/۳	۲۸/۰۷	۳۰/۷۲	نسبت به نقش معلم
۱۰۰	۲/۶۹	۴/۲۳	-	۷/۶۱	۱۱/۵۳	۲۰	۵۳/۸۴	نسبت به ارزشیابی آموخته ها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول شماره (۳) نظرات دبیران را در پاسخ به سؤال های پرسشنامه نشان می دهد. با



توجه به میانگین پاسخ های دبیران ، ۳۹٪ از پاسخها در مورد مولفه آرمان های تربیتی بر دیدگاه رفتاری دلالت دارد و ۱۵٪ پاسخ ها بر دیدگاه ماوراء فردی دلالت دارد؛ همچنین تلفی نسبت به ارزشیابی آموخته ها، ۵۴٪ پاسخ ها را به دیدگاه رفتارگرایی منسوب می کرد که معلمان معتقد بودند سنجش دانش آموزان در درس دینی را می توان با استفاده از مشاهده رفتارها یا آزمون های قلم- کاغذی انجام داد.

در مجموع، اغلب دبیران مورد مطالعه از یک دیدگاه خاص پیروی نمی کردند؛ به عبارتی، می توان درباره امکان ترکیب انواع دیدگاه ها بحث نمود. در این خصوص، سه دیدگاه مورد بحث قرار می گیرد. فرا دیدگاه سنت گرایی، فرادیدگاه<sup>۳</sup> پژوهش / تصمیم گیری<sup>۴</sup> و فرادیدگاه دگرگونی و تحول. فرا دیدگاه سنت گرایی از ترکیب سه دیدگاه تشکیل شده است؛ دیدگاه موضوعی، دیدگاه افزایش انتقال فرهنگی و دیدگاه رفتارگرایی دارای (۷۷٪) و دیدگاه فرا دیدگاهی شامل دیدگاه های فرایند شناختی، شهروندی دموکراتیک و رشدگرا دارای میانگین (۲۰٪) و دیدگاه دگرگونی و تحول شامل دیدگاه های تغییر اجتماعی، انسانگراییانه و ماورای فردی دارای میانگین (۵۰٪). در این فرا دیدگاه، دبیران تلاش می کنند مهارت هایی را به دانش آموزان منتقل سازند که امکان دگرگونی و تحول فردی و اجتماعی را فراهم می کند.

### ۳- نتیجه گیری

تدارک برنامه درسی به گونه ای که زمینه لازم برای دستیابی دانش آموزان به وحدت و یکپارچگی در عرصه تجارب مدرسه ای را فراهم کند، از جمله اصولی است که در تصمیم گیری در باره کلیه برنامه های درسی باید مد نظر قرار گیرد؛ لیکن در تدارک برنامه درسی دینی، موضوع از حیث اهمیت در طراز متفاوت و منحصر به فردی قرار می گیرد؛ چرا که نظام های آموزشی دینی طبیعتاً جایگاه و اهمیت ویژه ای برای تربیت دینی قائل هستند؛ بنابراین، همانطور که قبلاً بیان گردید در نظام آموزشی ایران، بیان هدف های کلی آموزش دینی از سال (۱۳۰۶) به صورت رسمی شروع شده است. در برنامه سال (۱۳۰۶)

هدف هایی برای دروس تعلیمات دینی یعنی (دروس مشروعات، آیات منتخبه و اخلاق) مطرح شده است. این وضعیت تا سال (۱۳۴۳) ادامه پیدا کرد. در برنامه سال ۱۳۴۳ هدف های خاص درس تعلیم و تربیت دینی به شکل کلی برای دوره متوسطه طرح شده اند؛ گرچه این هدف ها نسبت به اسلاف خود بسیار بهبود یافته اند، اما نقص ها و کاستی هایی دارند. مهم ترین دل مشغولی متوکیان امر، شکل دادن به رفتار دینی دانش آموزان است. انتظار، آن است که دانش آموزان به مسایل و موضوع های ارزشی و دینی دست یابند و ارزش های اساسی جامعه را جذب نمایند. با توجه به مطالب بیان شده، می توان بیان نمود که فرادید گاه سنت گرایی و فرادید گاه دگرگونی و تحول بر برنامه های درسی دینی حاکم است.

نقش معلم در روند حاکم بر انتخاب محتوای برنامه درسی آموزش دینی، محدود بوده است (بیشتر به صورت متمرکز طرح ریزی شده است). برنامه درسی دینی به صورت مدون در سال ۱۱۵۶ از مکتب خانه ها شروع شد و می توان سیر آن را در چهار دسته موضوعات پیدا کرد: ۱- اخلاقیات و شرعیات (مسائل فقهی) از سال (۱۲۳۸) ۳- تاریخ تمدن اسلامی (۱۲۹۵) ۴- مباحث اعتقادی و ایدئولوژی اسلامی از سال (۱۳۲۵) وارد تعلیمات دینی شده است. در باب شرعیات احکام و مسایل مختلف فقهی باید گفت که از نماز، طهارت تا باب بیع و ... مورد مطالعه قرار می گرفته است. اولین کتاب اخلاقی به عنوان تعلیمات دینی کتاب اخلاق، نوشته بدرالملوک تکین است که در سال (۱۳۰۶) با اجازه وزارت معارف به طبع رسیده و بیشتر بحث اخلاقی در بین زنان را بررسی کرده است. اولین کتاب فقهی در حوزه تعلیمات دینی کتاب دو جلدی دوره فقه متوسطه نوشته عبدالله ثقة الاسلامی است که در سال (۱۳۰۶) برای سال دوم و سوم متوسطه تصویب شده است.

تا قبل از سال (۱۳۰۶) معلمان در انتخاب محتوای درس خود آزاد بودند. از (۱۳۰۶) تا سال (۱۳۴۳) معلمان علاوه بر کتاب اصلی می توانستند از کتاب های جنبی نیز استفاده نمایند و از سال (۱۳۴۳) تاکنون، معلمان فقط مجاز به تدریس کتاب خاصی بوده اند که

نظام آموزشی تجویز کرده است. با توجه به مطالب فوق، می توان تحلیل کرد که تلقی نسبت به یادگیرنده از یک عنصر فعال به یک عنصر منفعل تغییر نموده است؛ به عبارت دیگر، دانش آموز به عنوان فردی در نظر گرفته می شود که باید خود را با یادگیری موضوع سازگار نماید و تکیه چندانی بر نیازها و علایق دانش آموزان نمی شود؛ بلکه موضوع درس براساس منطق درونی خودش عرضه می شود. همسو با این پژوهش اسمیت و موتنگرمی (۱۹۹۷) نیز بیان کردند که جو اجتماعی، فرهنگ، آداب و رسوم و ارزش های مدرسه را بر برنامه درسی موثر می دانند. روتر (۱۹۸۰) و برندا (۱۹۹۷) به نقل از مهرمحمدی و علیخانی (۱۳۸۳) نیز قوانین و مقررات آموزشی، نظم و انضباط، محیط فیزیکی و ظاهری مدرسه را بر یادگیری موثر دانسته اند. همچنین دورمن و همکاران (۱۹۹۹) به نقل از صمدی (۱۳۸۰) توجه به نیازهای دینی دانش آموزان و جلب رضایت آنان در آموزش دینی را از متغیرهای مهم در به وجود آمدن ایمان یادگیرندگان دانسته اند، و اعلام نموده اند که شرایط موجود کلاس های آموزش دینی، تعیین کننده ای قوی برای نگرش مثبت به دین است. تحولات برنامه درسی دینی نشان داد که یادگیرنده در زمان تصویب دروس رسمی، باید خود را با دروس دینی اعلام شده سازگار می کرد؛ البته قبل از دوران رسمی، کتب دینی علاوه بر سازگاری دانش آموزان با دروس اعلام شده (غیر رسمی) سعی می کردند دستورهای دینی را درونسازی کنند که همین هدف از سال (۱۳۸۰) به بعد نیز مد نظر قرار گرفت. همان طور که نجفی و کاظم پور (۱۳۸۰)، در گزارش پژوهشی خود خاطر نشان کرده اند، ۶۶ درصد از گروه نمونه، در پاسخ به این سؤالات که آیا مطالب کتاب های دینی و قرآن با نیازهای سنی شما سازگاری دارد یا خیر؟ و آیا میان مباحث درسی و محیط اجتماعی شما سازگاری و هماهنگی وجود دارد یا خیر؟ قریب به نیمی از این دانش آموزان، پاسخ منفی داده اند. همچنین اکرمی (۱۳۸۲) نیز در پژوهشی یادآور شده است که دانش آموزان معتقدند کتاب های دینی به نیازهای آنان توجهی ندارند.

بی توجهی کتاب‌های درسی به تحولات و اقتضائات روحی و روانی جوانان (آل صاحب فصول، ۱۳۷۱؛ امینی مصلح آبادی، ۱۳۸۳) مسکوت ماندن کتاب‌های دینی در مورد مسئله شادی و نشاط (اسرار، ۱۳۸۰) و طراحی نامناسب مباحث دینی برای دانش‌آموزان (علی‌عسگری، ۱۳۷۰؛ سادئی، ۱۳۷۲) از دیگر مواردی است که در پژوهش‌های پیشین، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تلفی نسبت به یادگیرنده در سال مربوطه در مسیر شرایط ایفای یک نقش انفعالی یعنی جذب و هضم ارزشها و اطلاعاتی که به او عرضه می‌شود قرار گرفته است. هم‌جهت با این پژوهش، در زمینه عوامل موثر بر برنامه‌داری و آموزش دین در جوامع مختلف پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ از جمله: فای (۲۰۰۹) توجه به نیازهای یادگیرندگان در برنامه‌داری مبتنی بر علایق فراگیران (رویگرد فراگیر محور) و مسائل جامعه را از متغیرهای مهم در به وجود آمدن ایمان مذهبی دانش‌آموزان می‌داند. همچنین گیسون (۱۹۸۹) و فرانسیس (۱۹۸۹) در تحقیقات خود نتیجه گرفته‌اند که آموزش دینی از طریق توجه به رفتارهای مذهبی و دل‌مشغولی‌های ذهنی دانش‌آموزان می‌تواند نقش مهمی در ایجاد نگرش مثبت آنان به اعتقادات مذهبی ایفا نماید (صمدی، ۱۳۸۰).

لاورنس و گاری (۱۹۹۸) در کتاب «تدریس خلاق انجیل» در فصل‌های «فهم نیازهای اساسی دانش‌آموزان» و «آموزش برای تغییر زندگی» تأکید می‌کنند باید همزمان با انتظار تغییر در دید شناختی متدینان از انجیل مقدس، تغییر عینی و عملی زندگی آنان را نیز انتظار داشته باشیم.

پریهارتونو و همکاران (۲۰۰۴)، فلیشر (۲۰۰۰) و نورد (۲۰۰۵)، به شکل مشابهی بر مسئله ضرورت پاسخ به نیاز اجتماعی دانش‌آموزان در جریان طرح مباحث دینی تأکید کرده‌اند؛ از سوی دیگر، نلسون (۱۹۹۰)، پارگامنت و همکاران (۲۰۰۳) و الیسون و

همکاران (۱۹۹۴) ضرورت عطف توجه به نیازهای عاطفی روانی جوانان را در جریان ارائه مباحث دینی مورد توجه و تأیید قرار می دهند.

۴- آنچه در آموزش دینی در دبیرستان و دوره متوسطه از زمان برنامه های رسمی تا سال (۱۳۸۰) دیده شده، بیشتر بر آموزش مستقیم یعنی سخنرانی و از برخواندن بوده است که ترتیب آن از ساده به پیچیده پیش می رفته است؛ ولی از سال (۱۳۸۰) به بعد، روند آموزش و یادگیری در «دین و زندگی» به صورت برنامه های نظری و عملی در زندگی درآمده است. تلقی نسبت به فرایند آموزش و یادگیری از دیدگاه موضوعی به سوی دیدگاه اجتماعی (انتقال فرهنگی) در تغییر و تحول بوده است.

۵- قبل از انقلاب تلقی نسبت به محیط یادگیری فقط از دیدگاه معلم مطرح بوده و بیشتر حالت رسمی و محیطی بسته بوده است؛ به گونه ای که معلم، محیط را تحت کنترل خود دارد و محیط، معمولاً دارای ساخت بسته و از پیش تعیین شده ای است. بعد از انقلاب با روی کار آمدن ایدئولوژی های متفاوت و تصویب امور تربیتی و پرورشی در کنار درس دینی محیط بازتر شد و اکنون محیط فقط به مدرسه بسنده نشده؛ حتی به زندگی عادی هم وارد شده است؛ به نوعی که می توان بیان نمود که تلقی نسبت به محیط یادگیری از دیدگاه اجتماعی (انتقال فرهنگی) به دیدگاه ماورا فردی سوق داده شده است؛ یعنی محیطی که آموزش و پرورش از هنرهای گوناگون (فعالیت های فوق برنامه) به شکلی در هم تنیده استفاده می شود.

نظرسنجی نجفی و کاظم پور (۱۳۸۰) در همین باره در سطح دانش آموزان دبیرستان های استان کرمانشاه نشان داد که قریب نیمی از دانش آموزان، در پاسخ به این سؤال که آیا میان مباحث درسی و محیط اجتماعی آنها سازگاری و هماهنگی وجود دارد یا خیر؟ پاسخ منفی دادند.

همچنین اکرمی (1382) نیز عوامل به وجود آورنده و مؤثر بر آموزش های ضمنی یا برنامه درسی پنهان را، معماری و کیفیت ساختمان مدرسه، ساختار اجتماعی و اداری

مدرسه، جو اجتماعی مدرسه، تعامل معلم و شاگرد و مواد متن می داند. ایشان در ادامه، عوامل مؤثر بر برنامه درسی پنهان درس دینی معلم، کتاب، ارزشیابی مدیریت توسعه (نقش مدیر، معاون و سایر کارکنان اداری مدرسه) سایر معلمان مدرسه، خانواده و جامعه را معرفی می کند.

در این باره منطقی (۱۳۸۵) در بررسی تحولی که در زمینه شناسایی راه کارهای درونی سازی ارزش های دینی در سطح دانش آموزان دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی، انجام شده است، گزارش می دهد که میزان علایق دینی دانش آموزان از راهنمایی در مقایسه با دبستان و از دبیرستان در مقایسه با راهنمایی، هم در دختران و هم در پسران کاهش یافته است. او یادآور می شود که اگر عوامل بیرون مدرسه را که تجربیات دینی تلخی برای دانش آموزان پدید آورده اند، را نادیده بگیریم، نارضایتی از کتاب ها، معلم ها، روش تدریس و ارزشیابی دروس دینی عامل بیشترین خاطرات تلخ و ناخوشایند دینی در دانش آموزان دختر و پسر به شمار می روند.

شایان ذکر است که قبل از انقلاب اسلامی، آموزش دینی معلم محور بود؛ زیرا معلم، فرایند یادگیری درس دینی و قرآن را هدایت می کرد و بسیار سطحی بود. بعد از انقلاب و ابتدای تالیف کتب دینی، سعی می شد که دانش آموزان هم به صحنه وارد شوند؛ اما این هدف تا سال (۱۳۸۰) عملی نشد. در مجموع، تلقی نسبت به نقش معلم در برنامه های درس دینی از نقش قوی دستوری (دیدگاه رفتاری و اجتماعی، به سوی نقش تسهیل کننده یادگیری (دیدگاه رشدگرا) تغییر مسیر داده است. همانطور که اکرمی نیز در سال (۱۳۸۲) در بررسی میزان پاسخ گویی کتاب های درسی دینی به نیازهای اجتماعی دانش آموزان، با بررسی مقایسه ای نظری دانش آموزان و معلمان درس دینی، چنین گزارش می دهد که از نظر معلمان، کتاب های تهیه شده، نیاز اجتماعی شاگردان را تأمین نمی کنند. بعلاوه، دانش آموزان اظهار کرده اند که آنان مایلند در کنار مسائل اعتقادی و اخلاقی که

در کتاب های دینی مطرح شده است، موارد دیگری مانند مسائل جوانان، ازدواج، آداب زندگی و علل عقب ماندگی جوامع اسلامی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

همچنین امینی مصلح آبادی نیز در سال (۱۳۸۳) در پژوهشی که در مورد انطباق محتوای کتاب درس بینش اسلامی سال اول مقطع متوسطه با نیازها و رغبت های دانش آموزان همان پایه، انجام داده است، در بیان یافته های تحقیق یادآور می شود که از نظر جوانان محتوای کتاب در راستای نیازهای آنان نیست.

و در همان دوران نیز ارزشیابی آموخته ها به صورت تراکمی بوده و در آخر هر ثلث امتحانی کتبی از دانش آموزان به عمل می آمد و آنها با کسب نمره مطلوب به مقطع بالاتر می رفتند. از سال (۱۳۸۰) علاوه بر آنکه امتحانی در آخر هر ترم از درس دین و زندگی گرفته می شود، به فعالیت های عملی و نظری دانش آموزان در طول ترم (ارزشیابی مستمر) به صورت آزمون تکوینی نمره داده می شود که مجموع این فعالیت ها نمره دانش آموز را تعیین می کرده است. تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها از دیدگاه موضوعی (تکیه ارزشیابی بر میزان تسلط دانش آموزان بر موضوع درسی) به دیدگاه رشدگرا (یادگیری و رشد باید به شکلی تکوینی و مجموعی (پایانی) ارزیابی شود) منتقل شده است.

در بررسی چهارچوب برنامه درسی دینی مشخص شد که رویکرد اساسی، رویکرد فرادیدگاهی است که شامل فرادیدگاه سنت گرایی و فرادیدگاه دگرگونی و تحول است. تجزیه و تحلیل دیگر ابعاد یاددهی - یادگیری در برنامه درسی دینی، حاکی از تلفیق و ترکیب دیدگاه های گوناگون است که چه بسا با هم متعارض هستند. در این گونه موارد باید دلالت های دیدگاه ها و یا فرادیدگاه ها مورد بررسی و دقت قرار گیرد که دچار تعارضات میان دیدگاه ها نشویم.

### پیشنهادها

۱- تحولات صد سال گذشته به گونه ای بوده که رویکردهای متعارض در برنامه های درسی دوره متوسطه را نشان می دهد. از آنجا که هر دیدگاه، در بردارنده

تلقی خاصی نسبت به یادگیرنده است، تغییر جهت دادن از یک دیدگاه به دیدگاه دیگر می تواند ابهام آفرین باشد. این جریان از طرفی به نامتناسب بودن مواد و منابع آموزشی با موقعیت یادگیری کمک کرده است و از طرف دیگر، نقش دیدگاه ها را در هدایت جریان برنامه ریزی درسی ضعیف نموده و به شفاف نمودن فلسفه تربیت دینی آسیب زده است؛ لذا لازم است برای آموزش دینی از رویکردها به عنوان ابزاری برای شفافیت بخشیدن به چهارچوب برنامه درسی دینی استفاده و براساس آن به تجزیه و تحلیل عناصر برنامه درسی دینی و مواد و منابع آموزشی اقدام نمود.

۲- با توجه به نقش معلم به عنوان حلقه اصلی ارتباط نظام برنامه ریزی و دانش آموزان می توان از رویکردها به منزله ابزاری برای تدوین آموزش های ضمن خدمت معلمان سود برد. باید توجه داشت که پراکنده گزینی یا ترکیب بیش از حد رویکردها می تواند ابهامات و اختلالاتی را در کلاس درس به وجود آورد. اگر معلمان بدون تفکر درباره پیامدها به طور تصادفی دست به گزینش بزنند، دانش آموزان سردرگم خواهند شد.

۳- تهیه برنامه های آموزشی دینی صدسال گذشته به ندرت با ارزشیابی توأم بوده است. حال آنکه می توان با توجه به رویکردها یک مبنای مفهومی برای تدوین، تولید و اجرای برنامه های درسی دینی فراهم آورد و چهارچوب مناسبی برای هدایت و جریان برنامه ریزی ایجاد کرد. بدین ترتیب، دیدگاه ها با برنامه درسی دینی در شکل های متعدد و ابعاد مختلف تعامل برقرار می کند؛ لذا نه تنها درک و فهم این دیدگاه ها از اهمیت خاصی برخوردار است، بلکه مهمتر از آن، این ضرورت است که موضع متولیان برنامه درسی دینی نسبت به طیف دیدگاه های تربیتی مشخص می شود. این بازیابی به مسئولان تالیف کتب درسی فرصت می دهد که میزان همسویی میان رفتار و دیدگاه تربیتی خود را مشخص نمایند؛ زیرا دانش آموزان می توانند به سهولت همخوانی میان گفتار و رفتار ما را تشخیص دهند. این تناسب و همخوانی می تواند به درهم تنیدگی بیشتری میان مسئولان و دانش آموزان منتهی شود.



- ۱- nonevent
- ۲- Comp Etency-based education
- ۳- traditionalist
- ۴- Inquiry/decision-making



## فهرست منابع

۱. اکرمی، سید کاظم (۱۳۸۲). تحقیقی چند وجهی در باب کتاب های دینی بینش اسلامی متوسطه. مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. ج ۲. تهران: محراب قلم.
۲. اکرمی، رضا (۱۳۸۳). الگوی برنامه درسی بینش اسلامی مقطع متوسطه. رساله دکتری تخصصی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳. امینی مصلح آبادی، رضی الله (۱۳۸۳). بررسی و انطباق محتوای کتاب درسی بینش اسلامی سال اول مقطع متوسطه با نیازها و رغبت های دانش آموزان همان پایه. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی (اراک).
۴. تاریخچه معارف ایران (۱۳۱۳)، مجله تعلیم و تربیت، سال چهارم - شماره ۹.
۵. صمدی، پروین. (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی دینی برای دوره متوسطه تحصیلی و میزان توافق برنامه درسی رسمی با آن، پایان نامه دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت مدرس.
۶. ضمیری، محمد علی (۱۳۳۷)، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. تهران: رهگشا.
۷. نمایه جامع کتب آموزش و پرورش از ۱۱۵۴ تا سال ۱۳۵۵.
۸. یارشاطر، احسان (۱۳۵۶). دانشنامه ایران و اسلام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. الماسی، محمد علی (۱۳۷۴). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: نشر دانش امروز، چاپ دوم.
۱۰. مرکز تحقیقات و برنامه ریزی درسی (۱۳۵۰). طرح جدید آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

۱۱. اداره کل نگارش (دایره آمار) (۱۳۱۷) **قانون اساسی معارف، سالنامه و آمار** سال های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ تهران، ص ۱-۴.
۱۲. سیلور، الکساندر و لوئیس (۱۳۷۹) **برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر**، ترجمه غلامرضا خویی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. میلر، جی، پی (۱۳۸۷). **نظریه های برنامه درسی**، ترجمه محمود مهر محمدی. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. منبع شماره ۹.
۱۵. منبع شماره ۱۰.
۱۶. موسی پور، نعمت الله، (۱۳۷۴). **روند تحول روش در برنامه های آموزش ابتدایی ایران (از ۱۲۸۸ تا کنون)**. سمینار نقش و جایگاه مطلوب آموزش ابتدایی در جامعه اصفهان.
۱۷. اداره کل نگارش (دایره آمار)، (۱۳۱۷)، **قانون اساسی معارف، سالنامه و آمار سال های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷**، تهران، ص ۱-۴.
۱۸. اداره کل نگارش (دایره آمار) (۱۳۲۲) **برنامه تحصیلات ابتدایی، سالنامه و آمار سال های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۲**. تهران: وزارت فرهنگ.
۱۹. ندیمی، محمد تقی، بروج، محمد حسین (۱۳۷۷)، **آموزش و پرورش (سه مقطع ابتدایی راهنمایی و متوسطه)**، مهرداد.
۲۰. منبع شماره ۲.
۲۱. وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۴۵)، **برنامه تربیت و تعلیم دینی دوره پنجساله ابتدایی**، تهران.
۲۲. منبع شماره ۱۹.
۲۳. یزدانی، جواد، (۱۳۸۰)، **برنامه ریزی تربیت دینی**، چاپ شده در خلاصه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت مدرس.

۲۴. منبع شماره ۲۱.
۲۵. اعتصامی، (۱۳۸۵)، مصاحبه با اعتصامی مولف کتاب دین و زندگی .
۲۶. **راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی، دوره متوسطه و پیش دانشگاهی (۱۳۸۳)**. وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۲۷. منبع شماره ۱۵
۲۸. منبع شمار ۲.
۲۹. منبع شماره ۲.
۳۰. منبع شماره ۲.
۳۱. منبع شماره ۳.
۳۲. مصاحبه با آقای مهندس سادات مولف کتاب بینش اسلامی بعد از انقلاب تا سال ۱۳۸۰.
۳۳. همان منبع
۳۴. منبع شماره ۲۳.
۳۵. منبع شماره ۲.
۳۶. منبع شماره ۲.
۳۷. منبع شماره ۳۰.
۳۸. منبع شماره ۳۰.
۳۹. منبع شماره ۲.
۴۰. مصاحبه با دکتر حسن ملکی، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
۴۱. منبع شماره ۲۳.
۴۲. موسی پور، نعمت اله (۱۳۷۶). **تحول هدف ها در برنامه های آموزش ابتدایی ایران از ۱۲۸۸ تا ۱۳۶۸**، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۷۶، شماره مسلسل ۴۹.

۴۳. منبع شماره ۲۳.
۴۴. منبع شماره ۳۰.
۴۵. خوشنویس، طاهر (۱۳۳۱)، **تعلیمات دینی** (کتاب درسی)، ، تهران.
۴۶. منبع شماره ۳۰.
۴۷. منبع شماره ۳۰.
۴۸. ریاحی، (۱۳۴۲)، **داستانی به نام کتاب درسی**، ماهنامه آموزش و پرورش، شماره چهارم، دوره ۳۳.
۴۹. وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۶۹)، **برنامه ریزی و اداره کلاس های چند پایه**، تهران.
۵۰. وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۵۲)، **آئین نامه امتحانات**، اساسنامه ها و آیین نامه های تهران.
۵۱. وزارت معارف و صنایع مستظرفه، (۱۳۰۶)، **دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی**، تهران.
۵۲. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (بی تا)، **نظامنامه مدارس ابتدایی و متوسطه تهران**.
۵۳. شواری عالی آموزش و پرورش، (۱۳۷۳)، **ساعات کار هفتگی مدارس دوره ابتدایی**.
۵۴. کیامنش، علیرضا، (۱۳۷۰)، **رابطه ارزشیابی و هدف های آموزشی**، فصلنامه تعلیم و تربیت، مسلسل ۲۶، تهران.
۵۵. علی عسگری، مجید (۱۳۷۰). **بررسی تناسب مفاهیم کتاب فرهنگ و تعلیمات دینی پایه دوم ابتدایی با توانایی ذهنی دانش آموزان شهر تهران**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

۵۶. منطقی، مرتضی (۱۳۸۵). **بررسی عوامل بازدارنده و تسهیل کننده در جذب دانش آموزان به ارزش های دینی.** (گزارش تحقیق) سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش و پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۵۷. نجفی، محسن، کاظم پور، زهرا (۱۳۸۰). **علل گرایش و عدم گرایش دانش آموزان استان کرمانشاه نسبت به دروس دینی و قرآن.** گزارش تحقیق استاد اعتلای درس های دینی استان کرمانشاه.

58. Dorman. J.p.M Robbie. Cjand foster, W.j. (1999) : "Associations Between psycho social Environment in Religious Education classes and student outcomes," the Annual Meeting of the American Education Research Association(AERA), montreal

59. Ellison, C. G.; George, L. K. (2008). Religious involvement, social ties, and social support in a southeastern community, *Journal for the scientific study of religion*, Mar V33 (1) P46- 61.

60. Fleischer, B. J. (2000). Cause for hope: programs in ministry and religious education. *Momentum*, V27 N2 P32- 36 Apr-May.

61. Fahy, P.s.(199۳) : "faith in clas Roons theoy and practice Homebush", New south wales st paul.

62. Fisher, M. P. (2002). *Religions today*, London: Routledge  
Lawrence, O. R. & Gary, J. B. (1998). *Creative Bible teaching*. 10th ed. The moody Bible institute of Chicago: U. S..

63. Francis, L.J.(19۸9): " measuring Attiude Touards christianity during child hood and Adolescence Personality and in dividual Differences",

64. Hen son,k, and Ghon hen son, (2001). *Curriculum planning: intergrating ulticutrualism, constructivism and education reform*, second edition, new york, mcgraw-hill higher education.

65. Nelson, P. B. (1990). Intrinsic/extrinsic religious orientation of the elderly:relationship to depression and self esteem. *Journal of Gerontological nursing*, V16 (2). P29-35 Feb.

66. Nord, W. A. (2005). The relevance of religion to the curriculum. *School administrator*, V56 N1 P21-25 Jan.

67. Pargament, K. I.; Olsen, H.; Reilly, B.; Falgout, K.; et al. (2003). *God help me: II. The relationship of religious orientations to*

religious coping with negative life events. Journal for the scientific study of religion, Dec V31 (4) P504- 513.

68. Prihartono, N.; Damayanti, R.; Adisasmitta, A.; Tarigan, L. (2004). Acommunity trial involving religious leaders to improve water preparation hygiene as part of diarrheal disease prevention in south Kalimantan, Indonesia. Proquest.

